

چاییشی، عشوری و آین «ای دوستان خوانی» در شهرستان دامغان

شهرام باستی^۱ الهام مؤمنی^۲

(دریافت: ۱۳۹۸/۹/۱۵ پذیرش: ۱۳۹۸/۹/۲۳)

چکیده

اشعار و آیین‌های عاورایی شفاهی موجود در حوزه‌های مختلف جغرافیایی، بیانگر نحوه اندیشیدن و دربی آن خلق ادبیات غالب و روشنای چگونگی توجه مردمان آن حوزه بر گستره آیین و مذهب است. بررسی این اشعار سیر حیات تاریخی ادبیات شفاهی عاورایی را بین مردم یک حوزه نشان می‌دهد. بر این مبنای، در پژوهش حاضر سعی در مطرح کردن و معرفی اشعار آیینی «چاییشی»، «عشوری» و آین «ای دوستان خوانی» در ادبیات آیینی عامیانه دامغان، با کارکرد مردم‌شناسی هستیم. تبیین اشعار آیینی عاورایی، آنها را در حوزه‌های فراگیر ادبیات آیینی شفاهی قرار می‌دهد که کارکردی مستقیم بر آداب و رسوم مذهبی عامه دارند. تحلیل‌ها در دو بخش ساختاری و محتوایی بر روی اشعار انجام پذیرفته‌اند: در بخش محتوایی با معرفی و توجه به کارکردهای اشعار در مراسم نمادینی به مضمون آنها پرداخته شده و در بخش ساختاری، قالب مسلط بر این اشعار و توجه به موسیقی بیرونی وزن، قافیه، ردیف و موسیقی درونی مدنظر بوده است. ماهیت کار، کیفی و ابزار جمع‌آوری اطلاعات، مصاحبه و مشاهده عمیق و میدانی است که با متخصصان درخصوص اشعار مرتبط صورت پذیرفته است.

واژه‌های کلیدی: چاییشی، عشوری، آین ای دوستان خوانی، دامغان.

۱. استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور تهران (نویسنده مسئول).

*Shahram.basity@gmail.com

۲. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سمنان.

۱. مقدمه

«اساساً در فرهنگ ایرانی هر آدابی و آیینی و رسمی با شعر همراه است. کمتر رسم کهنه را می‌شناسیم که شعر در جزئی از آن و یا تمام آن شعر، نباشد. از آیین‌های گذرا، سفر، پیشواز و درمان تا عروسی و عزا، از آیین‌های کار تا نیایش و دعا، شعر رکن هر یک را تشکیل می‌دهد» (ذوق‌الفاری، ۱۳۹۴: ۳۴۰). این اشعار عامه را بنا بر کاربرد در هفت گروه عمده جای داده است: ۱. اشعار سرور (ملی، دینی و مذهبی، خصوصی و خانوادگی)؛ ۲. اشعار سوگ (دینی و مذهبی، قومی، قهرمانان)؛ ۳. اشعار سرگرمی (فال-سرودها، بازی‌سرودها، چیستان‌های منظوم)؛ ۴. اشعار کار؛ ۵. اشعار خواب و نوازش؛ ۶. اشعار تغزی و ۷. اشعار نیایش. این پژوهش برای روشن‌تر شدن حوزه کار، اشعار گروه دوم را که مختص به سوگواری ایام محرم و در گروه اشعار آیینی قلمداد می‌شود، با معرفی آداب و رسوم نمادین آن، از نظر ساختاری و محتوایی بررسی کرده است. اشعار آیینی پژوهش حاضر، شامل اشعاری است که در «چاییشی»، آیین «ای‌دوستان-خوانی» و «عشوری» کاربرد دارند، هدف اصلی پژوهش حاضر ضمن معرفی اشعار، بررسی آن‌ها در دو گزینه محتوایی و ساختاری است. هدف در بخش محتوایی، معرفی اشعار و آداب و رسوم مرتبط با آن‌هاست و بررسی محتوایی اشعار با بیان کاربرد، وجه‌تسمیه، مجریان، چگونگی اجرا و زمان اجرای این مراسم تبیین شده است. در بخش ساختاری به جنبه‌های ادبی اشعار وزن، قالب، شکل و موسیقی بیرونی و درونی پرداخته شده است. کاربردهای اصلی استخراج شده از اشعار عبارت‌اند از: توصل‌جویی، هویت‌بخشی، همبستگی و ایجاد انگیزه در نسل جدید و اثربخشی مؤلفه‌های تربیتی در ادامه دادن این آداب و رسوم است. اصولاً جمع شدن در یک حوزه جغرافیایی خاص، در یک زمان مشخص چون ماه محرم و عزاداری ماه محرم، شکل و نحوه این عزاداری در هر حوزه‌ای قابل توجه و بررسی است. از آنجا که دامغان از شهرهای کهن ایران است، توجه به این‌گونه اشعار و مراسم مذهبی در شناسایی و هویت‌بخشی فرهنگ و ادب عامه این خطه کویری راهگشاست. در طبقه‌بندی از منظر ابتدایی، چاییشی‌ها اشعاری هستند که در ذهن عامه مردم شناخته شده‌اند. هر مخاطب مجلس امام حسین^(۲) به‌طورعام چند بیت از چاییشی‌ها را حفظ دارد و برای عرض‌ادب در مجلس

امام حسین^(ع) این اشعار را می‌خواند؛ اما اشعار و آین «ای دوستان خوانی» دامنه توجه خاص‌تری دارند و در حوزه ادبیات عامه کم‌تر بدان توجه شده است. مقوله حاضر در زمان خاصی چون روز آغازین ماه محرم و از سوی افراد خاصی و در حوزه مشخص توابع شهرستان دامغان با کارکرد آگاهی رساندن به مردم انجام می‌شود. «عشوری» جزو اشعار آینی مرتبط با شبیه‌سازی واقعه عاشوراست که در جایگاه مشخص، از سوی افراد مشخص، با متن و نسخه معین و از پیش‌تعیین شده، قابل توجه و بررسی است. اشعار پژوهش حاضر با عنوانی «چایشی»، «ای دوستان خوانی»، و «عشوری» به صورت میدانی از بین عامه مردم و اشعار تعزیه به منظور مقایسه و تبیین عشوری از روی مجموعه/ین رستخیز عام به همت غلامعلی‌زاده (نادی دامغان) و به کوشش مسلم نادعلی‌زاده چاپ و مطرح شده است.

۲. پیشینه پژوهش

در زمینه چایشی و تعزیه و اشعار مرتبط با این آداب و رسوم، پژوهش‌هایی کلی انجام شده است؛ اما تاکنون پژوهشی با هدف معرفی و تحلیل ساختار و محتوا بر این اشعار انجام نشده است. در معرفی و تحلیل و چگونگی برگزاری مجالس «عشوری» زنانه و آین «ای دوستان خوانی» در توابع دامغان، تاکنون هیچ‌گونه پژوهشی با هدف معرفی و تحلیل اشعار با نگاه مردم‌شناسی – که به متن و کارکرد اثر بپردازد – صورت نگرفته است. با توجه به بکری این مطلب، طرح و بررسی این اشعار می‌تواند مورد توجه و استفاده علاقه‌مندان و پژوهشگران این حوزه از منظر توجه به فرهنگ و ادب عامه قرار گیرد.

۳. چارچوب نظری

پژوهش حاضر به معرفی و تحلیل اشعار آینی با بازتابی از آینه‌های نمادین عاشورایی عامیانه در شهر دامغان پرداخته است. اشعار قابل بحث چایشی، اشعار آین «ای-دوستان خوانی» و اشعاری است که در مجالس عشوری زنانه کاربرد دارند. معرفی مراسم نمادین مرتبط با اشعار و کارکرد مذهبی آن قابل بازتاب و دقت‌نظر است. تحلیل

و بررسی این اشعار در دو مؤلفه محتوایی و ساختاری انجام گرفته است. در تحلیل محتوایی با معرفی عناصری چون کاربرد، وجه تسمیه، مجریان، چگونگی اجرا، زمان اجرا به محتوا، درونمایه و مضامین رایج این اشعار پرداخته شده و در تحلیل ساختاری اشعار بر مبنای قالب پراکنده شعری و توجه به قافیه از منظر کشف موسیقی کناری و داشتن سجع و جناس و کشف موسیقی درونی توجه شده است. ماهیت کار در پژوهش کیفی است و ابزار جمع‌آوری مصاحبه و مشاهده دقیق با متخصصان این حوزه از اشعار و آیین‌های است. اشعار نگاشته شده در مبحث تعزیه به منظور تبیین بیشتر عشوری‌های زنانه است و از مجموعه جنگ تعزیه اثر غلامعلی نادعلی‌زاده انتخاب شده است. پرسش تحقیق حاضر، در بخش محتوایی این است که اشعار و آیین‌ها چه تأثیر و کارکردی بر فرهنگ و ادبیات عامه دارند؟ و پرسش دوم در بخش ساختاری، چگونگی حضور کمی و کیفی اشعار آیینی عامیانه در آیین‌های نمادین سوگواری ماه محرم در شهر دامغان است؟. فرضیه مطرح در این پژوهش این است که اشعار آیینی مطرح بین عامه مردم دامغان از لحاظ ساختاری در حوزه‌های فراگیر ادبیات شفاهی آیینی ایران قرار دارد و کارکردی مستقیم بر حفظ فرهنگ و ادب عامه و ثبات آیین‌ها داشته است.

۴. تحلیل محتوایی

در تحلیل محتوایی، چاییشی‌ها بر مبنای مراسم نمادین کاربردی و مضامین شعری مورد دسته‌بندی قرار گرفته‌اند؛ اما در دیگر اشعار توجه به مراسم کاربردی، اساس تحلیل و مضمون‌سنجدی قرار گرفته است.

۱-۳. چاییشی

فرهنگ فارسی عمید «چاوش» را شخصی معرفی می‌کند که پیش‌پیش دسته‌ای قرار دارد و اشعار مذهبی می‌خواند. وجه تسمیه چاوشی از تعریف آن پیداست. چاییشی ابدال یافته واژه چاوشی در لفظ عامیانه است. چاییشی‌ها اشعاری آیینی در قالب دویتی و رباعی هستند که در وجه تسمیه خود براعت استهلال دارند. این اشعار کوتاه در مراسم عزاداری ماه محرم در مجالس زنانه و مردانه، بین دسته‌های عزاداری، مراسم

استقبال از زائران، مراسم علم و منبر جامه کردن که در نوع خود صورت دیگری از استقبال عزاداری امام حسین^(ع) است و نیز مجالس عشوری، کاربرد گسترده‌ای دارد. نام محلی این اشعار «چایشی» است. از آنجا که این اشعار سراینده مشخصی ندارد، می‌توان آن‌ها را جزو اشعار آیینی عامیانه در میراث شفاهی، قلمداد کرد. مجریان چایشی‌ها مردان و زنانی هستند که به صورت تک‌خوانی ایات را با صدای رسا و حزن‌انگیز می‌خوانند و به آن‌ها «چایشی خوان» می‌گویند. آن‌ها در مراسم‌های مجزای مربوط به عزاداری امام حسین^(ع) که به منظور عرض‌تسلیت و همدردی بر پا می‌شود، با طلب درخواست صلوٽات از مخاطب و در بیشتر موارد برای پرشور کردن و وجود مجلس به خواندن «چایشی» می‌پردازند. نحوه اجرای چایشی با مناسبت خاص و با خواندن دعایی از سوی فردی از افراد عادی مجلس و گاهی مذاح صورت می‌گیرد. این اشعار در تمامی مراسم مذهبی و آیینی کاربرد دارند و صرفاً مجلس خاصی برای برگزاری آن بر پا نمی‌شود. زمان اجرای اشعار در ابتدای مجلس با طلب صلوٽات از مخاطب و میانه مجلس با هدف جلب توجه مخاطب و در پایان مجلس با هدف اختتامیه و ذکر صلوٽات از مخاطب است. مضمون این اشعار همه‌فهم بوده است و می‌توان از متن اشعار محوریت آن‌ها را دسته‌بندی کرد؛ اما محوریت اصلی این اشعار عاشورایی و ولایی بوده است و اختصاص به خاندان عترت و طهارت دارد و این مهم بیانگر تأثیر آموزه‌های مذهبی و عاشورایی، توسل‌جویی، هویت‌بخشی، مشارکت و همبستگی و ایجاد انگیزه در معرفی اشعار، در قلمرو آداب و رسوم و زندگی اجتماعی است. دسته‌بندی موضوعی بر اساس محتوا و کاربرد شامل چهار بخش است.

۱-۱-۳. چایشی‌های ولایی

انتخاب این اشعار از سوی چایشخوان بسته به موضوعیت و مجلس، متفاوت است. چایشخوان در انتهای هر چایشی به ذکر نام معصوم توسل می‌کند و از مخاطب با قسمی محسوس طلب صلوٽات می‌کند. «به مادر حسین خیر النساء صلوٽات» و بدین- شکل شوری در مجلس بر پا و به نوعی حواس مخاطب را به بحث اصلی مجلس که

سال ۷، شماره ۳۰، بهمن و اسفند ۱۳۹۸ دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه

روضه و منبر است جلب می‌کند. درواقع، به نوعی از کارکرد براعت استهلالی می‌توان دریافت، مجلس دارای چه موضوعی است و به چه منظوری برپا شده است.

«خدا نصیب کند وادی السلام نجف
به هر که رو به سوی شاه اولیا دارد
برو مقام علی را ببین بشو به نجف
که خاک درگه او طبع کیمیا دارد
به پادشاه نجف مرتضی علی صلوات»

(خلیل افراسیابی، متولد ۱۳۰۶: روستای دولت‌آباد دامغان)

۳-۱-۲. چایشی با مطلع خوش‌آمدید

خواندن چایشی‌ها با هدف خوش‌آمدگویی بیشتر بین دسته‌های عزاداری مرسوم است. مصدق چایشی‌های خوش‌آمدگویی در روز هشتم ماه محرم، در دو روستایی مجاور «کلا و سیدآباد» است. بنا بر رسم، قاصدی همراه با نامه از روستای «کلا» به روستای «سیدآباد» برای دعوت فرستاده می‌شود و عزاداران را به روستای خود در ساعت خاص دعوت می‌کنند. در زمان و جایگاه مقرر وقتی دو دسته عزاداران مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند، خودشان را معرفی می‌کنند و از یکدیگر با زبان شعر سؤالاتی را می‌پرسند. این اشعار در بین عامه مردم به «سلام‌گویی» شهرت دارد.

دسته مهمان:

«علم از کیست بگو سینه افگار حسینیم
علم از کیست بگو حاضران اهل عزا
سینه‌زنان تعزیدار از غلامان حسینیم
علم از کیست بگو»

جواب دسته میزبان:

«ای عزیزان علم خاص حسین است آن لشگر و پیشو اعلمدار حسین است»	«ای عزیزان علم خاص حسین است فرزند علی شیر خدا در صف هیجا (مطهری، ۵۸ ساله: مداع اهل بیت)
---	---

بین دسته‌های عزاداران که به میهمانی همدیگر در دو روستایی مجاور می‌روند، چایش‌خوانی، جدا از نوحه‌خوان اصلی در دسته می‌ایستد و برای تهنیت ورود دسته

چایشی، عشوری و آین «ای دوستان خوانی» در شهرستان دامغان شهرام باستی و همکار

میهمان، چایشی می خواند و در دسته میزبان نیز چایش خوانی، پاسخ می دهد. این آداب و رسوم در روستای دولت‌آباد در شب ۷ محرم برپاست.

«ذاکرایم که از راه وفا آمده‌ایم
سر قدم کرده به دیدار شما آمده‌ایم
حاضرند اهل عزا سینه زنان تعزیه‌دار
ما همه از ره حرمت به عزا آمده‌ایم»

چاووش خوان پاسخ گو:

«ای آفتاب مطلع خوبان خوش آمدید
این مجلس عزای حسین است خوش آمدید
یوسف صفت به ره بیابان خوش آمدید
در ماتمش به دیده گریان خوش آمدید»
(مطهری، ۵۸ ساله: مداعی اهل بیت)

۳-۱-۳. چایشی‌های عاشورایی

این اشعار در تمام مراسم عاشورایی با کارکرد برپایی شور در مجلس از سوی افرادی معمولی یا مداعی صدای رسا در ابتدای مجلس و قبل از شروع مجلس خوانده می شود. در آین علم بستن یا به اصطلاح محلی «طوق جامه کردن» نیز روضه خوان و حاضرانی در مجلس که ارادتی به امام حسین^(ع) دارند، بنا به موقعیت مجلس چایشی را می خوانند. چایشی خوان می تواند مرد یا زن باشد.

«ای کربلا فدای طوق و علمت
قربان کبوتران دور حرمت
آنها نه کبوترند بی شک ملکاند
بر جمال حضرت علی اکبر صلوات»

(حاجی پروانه، مداعی)

۳-۱-۴. چایشی‌های مختص به زائران

رسم استقبال از مسافر کربلا و مکه و حتی مسافر امام رضا^(ع)، در گذشته بیشتر و امروزه کم رنگ‌تر شده است. صورت معمول این رسم این گونه است که افرادی همراه چایش خوان به استقبال زائر می‌روند و در مسیر اشعار چایشی خوانده می‌شود و مخاطبان با صلوات پاسخ می‌دهند و استقبال را پرشور می‌کنند این رسم به احترام و

ارزش‌گذاری از مسافر مکان مقدس، با کارکرد ایجاد شوق سفر در دیگر افراد و بازگشتن شان و مقام مکان موردنظر قابل تأمل است.

ای عزیزان از شما زوار می‌خواهد رضا در غریبی مانده و غم‌خوار می‌خواهد رضا
در غریبی مانده و خواهر نباشد بر سرش از شماها گریه بسیار می‌خواهد رضا
(فاطمه‌زهرا وحیدی)

۳ - ۱ - ۵. چایشی در مجالس عشوری

این اشعار در ابتدای مراسم تعزیه و عشوری نیز قرائت می‌شود و بسته به مجلس عشوری و تعزیه، چند چایشی با وزن و آهنگ مختلف با صدای بلند و رسا خوانده شود.

«ای موالی، موسم و فصل بهار کربلاست
لاله باید چیند آن کو داغدار کربلاست»
(نادر علیزاده، ۱۳۹۲: ۲۶)

«ما می‌رویم سوی بیابان کربلا
تا جان دهیم بهر سلیمان کربلا»
(همانجا)

چایشی در مراسم عشوری هنگام رفتن حضرت زینب^(س) به سمت عراق:
«از مدینه، زینب دلخون، نلان می‌رود
جانب ملک عراق، با نوجوانان می‌رود
ای مسلمانان زنی چون زینب خونین جگر
با برادر، با برادرزاده‌ها یکجا می‌رود»
(فاطمه‌زهرا وحیدی)

۳ - ۱ - ۶. مراسم نمادین و چایشی

از جمله مراسmi که چایشی‌ها در آن کاربرد دارند، آیین «طوق و منبر جامه کردن» است. این آیین در دامغان و تمام روستاهای وابسته انجام می‌شود. عame بر این باور است که طوق، تکه‌چوبی است به نشان از پرچم امام حسین^(ع) در صحراي کربلا، خودش از جایی آمده و کسی از آنجا خبر ندارد. این طوق بی‌صاحب است و ممکن است همراه با سیل به روستا آمده باشد. کار جامه کردن طوق از منزلی در روستا و تکیه‌ای در شهر از روزهای آغازین ماه محرم شروع می‌شود. در روستای سیدآباد و (قهاب رستاق) در سمت صالح آباد در مسیر جاده اصفهان - جندق (جاده کویری)

شهرستان دامغان، شروع مراسم در روز هفتم ماه محرم است و در بقیه روستاهای معمولاً مراسم در همین روزها آغاز می‌شود. این مراسم خانه‌به‌خانه انجام می‌شود. کیفیت برگزاری بدین صورت است که هر خانه‌ای که علم و طوق و پنجه‌ای دارد بزرگ‌تر آبادی به همراه عزاداران وابسته به نزدشان می‌روند و مراسم جامه کردن طوق و علم را انجام می‌دهند. جامه کردن با بستن پارچه‌های تازده بلند، مشکی، سبز و رنگی بر روی علم انجام می‌گیرد که مهارت خاصی می‌خواهد و با توجه به بانی و صاحب طوق و علم در برخی خانه‌ها این مراسم از سوی مردّها و در صورت فوت مرد خانه مراسم از سوی خانم‌ها در دو مجلس زنانه و مردانه برپا می‌شود. زمان برگزاری از صبح زود و در برخی منازل آخر شب بعد از عزاداری است. کیفیت برگزاری بدین شکل است که افراد با نوحه‌خوانی و چاوشی‌خوانی به مراسم شور می‌دهند تا پارچه‌ها به علم وصل شود و به اصطلاح «طوق جامه شود» و هر شخصی با توجه به حاجت دلش، هنگام حرکت دادن علم در دل نیتی می‌کند و نذری می‌نماید و در صورت برآورده شدن حاجت، سال آینده نذر خود را ادا می‌کند. این نذرها شامل وعده‌ای غذا، گوسفندی برای قربانی و شیر و شیرینی، پسته و شکلات و یا پارچه‌ای رنگی برای علم متنوع است. مراسم منبر جامه کردن نیز شب قبل شروع ماه محرم انجام می‌شود. برگزاری مراسم در خانه‌هایی است که دهه اول، دوم و سوم محرم در منزل مجلس روضه برپا می‌کنند. مداعح‌ها و ملاهای قدیمی با همراهی اهل محل، جمع می‌شوند و منبر را رخت سیاه می‌پوشانند و به استقبال عزاداری می‌روند. از کارکرد چایشی‌ها در برگزاری آیین‌ها می‌توان ایجاد همبستگی و مشارکت اجتماعی را عنوان کرد. این مشارکت از سوی افرادی در تمام طبقات اجتماعی است افراد باسواند، افراد بی‌سواد و عامی که چایشی را حفظ کرده‌اند، زنان و مردان در جنسیت‌های مختلف که با ذکر چاوشی ارادت خود را به امام حسین^(ع) ابراز می‌کنند.

۳ - ۲. آیین نمادین «ای دوستان خوانی»

آیینی است که گروهی طی آن با خواندن اشعاری، استقبال از ماه محرم را اعلام می‌کنند. وجه تسمیه آن، از گردهم جمع شدن گروهی از دوستان و هم‌ محلی‌هاست. کاربرد

این آیین به منظور آگاه کردن مخاطبان بر شروع ماه عزاداری است. این مراسم خاص روستای جزن، از توابع دامغان است. زمان برگزاری این مراسم از ساعت اول روز اول محرم است و تا ظهر همان روز ادامه دارد. پیشینه برگزاری این مراسم به گذشته دور می‌رسد. زمانی که مردم روستاهای رسانه و گاهشمار خاصی در اختیار نداشتند و از شروع ماه محرم بی‌خبر بودند. بر این مبنای مجریانی از مردم روستا در قالب گروه «ای دوستان» بر مبنای قراردادی فرضی با امام حسین این تصمیم را اتخاذ می‌کنند تا روز اول محرم را با خواندن اشعاری خاص، اطلاع‌رسانی کنند. چگونگی اجرا بدین شرح است که: افراد گروه «ای دوستان» پارچه سیاهی را بر سر چوبی معمولی نصب می‌کنند. انتخاب پارچه سیاه و چوب معمولی نمادی از توانایی اندک مالی مردم در قدیم و نشانی از عزاداری است. گروه ای دوستان پای بر هنر در کوچه‌ها با این نشان حرکت می‌کنند و مردم از شمايل آن‌ها و اشعاری که می‌خوانند پی به شروع ماه عزاداری می‌برند و نذورات خود را به آن‌ها می‌رسانند. این نذری‌ها چای، آرد، قند و هر آن چیزی را شامل است که در وسع شخص نذرکننده است. این امر حاکی از مشارکت اجتماعی و تبیین کارکرد همبستگی در این آیین‌های نمادین است. این گروه «ای دوستان» تا انتهای دهه محرم وظيفة اداره سقاخانه تکیه روستا را بر عهده دارند و به عزاداران چای و آب و قدیم‌ترها قلیان می‌رسانند. اشعار «ای دوستان خوانی» اشعاری است بسیار قدیمی که از پدربرزگ‌ها به نوه‌ها رسیده است.

«زین پس به سوز و العطش
در خیمه طفلان کرده غشن
برخیز و بر پا کن نوا
برگو محرم آمده، ماه محرم آمده
بین کاروان غصه را بشنو صدای ضجه را
زینب بر سر شور و نوا
نالان به دشت کربلا
ماه محرم آمده، ماه محرم آمده
در این سفر افتاد به خون
عرش خدا را قائمه

ای کوفیان بی وفا
عرش خدا گشته سبا
زین ماجرای کربلا
زینب هراسان آمده
ماه محرم آمده، ماه محرم آمده»

(رمضان حقیقی، بیت‌خوان: روستای جزن)

در تبیین محتوای این اشعار، گفتنی است که ابیات تا حدود شصت بیت با تکرار «ماه محرم آمده» به زبان شعر روایت مختصر واقعه کربلا و سلام فرستادن به پرچم و علم و سلام فرستادن به عباس علمدار، حال طفلان، حال حضرت زینب^(ع)، امام حسین^(ع) را در اشعار عنوان می‌کند. از هفتادو دو تن و جسم علی اکبر سخن می‌گوید: «هفتادو دو جانی فدا / در مسلح داور شود / صدپاره از تیغ جفا / جسم علی اکبر شود» و با زبان شعر به استقبال محرم می‌روند و از نوکران عزادار حسین طلب سیه پوشی می‌کنند «مردم سیه بر تن کنید / شال عزا گردن کنید / ای نوکران باوفا / بر تن کنید رخت عزا» گروه ای دوستان در پایان شعر درخواست خود را به مردم عنوان و کارکرد خود را تبیین می‌کند که این شعر با این هدف در کوچه و بازار از سوی افرادی با پرچم سیاه خوانده می‌شود که «ماه محرم آمده» و «بر تن کنید رخت عزا».

توجه به مشارکت اجتماعی و کشش افراد از حوزه‌های مختلف جغرافیایی به زادوبوم مادری، به منظور برپایی مراسم ای دوستانخوانی در ساعت‌آغازین ماه محرم و تلاش در حفظ این آیین با وجود رسانه‌ها و اطلاع‌رسانی‌های جمعی در عصر حاضر، می‌تواند مورد بررسی و توجه پژوهشگران در حوزه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی قرار بگیرد.

۳ - ۳. تحلیل عشوری و تعزیه

در معرفی این مراسم باید بیان داشت که مجالس عشوری تقریباً معادل تعزیه‌ای است که مردان مسئول نمایش آن هستند؛ اما از نظر زمان اجرا و صورت نمایش و چگونگی اجرا و جنسیت مجریان، کیفیت متفاوتی با تعزیه دارد.

«صرف نظر از تعزیه هایی که موضوع و محتوای آنها به زنان مربوط می شود، مثل مجلس بی بی شهربانو» (عناصری، ۱۳۶۱: ۴۲۵).

در دوره قاجار نیز مجالس تعزیه زنانه نیز بروپا می شد. در این مجالس که در دهه اول محرم هر سال در منزل قمرالسلطنه، دختر فتحعلی شاه، برگزار می شد، همه تعزیه خوانان و تماشاگران زن بودند. در منابع نام برخی از زنان تعزیه خوان این دوره آمده است: ملانبات (مخالف خوان)، ملافاطمه، ملامریم و حاجیه خانم دختر فتحعلی شاه (تعزیه گردان). تعزیه زنان به سبب تنگناهای عرفی، گسترش نیافت و به منازل ثروتمندان و شاهزادگان محدود شد و ظاهراً برگزاری آن تا اواسط سلطنت احمدشاه قاجار (۱۳۲۷ – ۱۳۴۴) ادامه یافت (بیضایی، ۱۳۴۴: ۱۶۰ – ۱۶۱).

پژوهش حاضر ضمن معرفی نوعی مجلس تعزیه زنان در شهر دامغان با نام مصطلح «عشوری»، به شرح اجمالی این مقوله و زنده بودن این مراسم در شهر دامغان اشاره دارد. در مقایسه عشوری و دریافت شباهت و تفاوت های آن با تعزیه از مجلس حضرت رقیه^(س) استفاده شده است. در تبیین وجه تسمیه عشوری، سه فرضیه مطرح است: فرض اول اینکه، می توان واژه عشوری را مشتق از واژه عاشورا و به نوعی ابدال شده از آن دانست و نسبتی میان واژه عاشورا و واژه را با یای نسبت توضیح داد. فرض دوم، در وجه تسمیه عشوری ناظر بر واژه «عشور» جمع واژه عشر (اسم) عدد ده است. با توجه به اینکه مجلس عشوری، با فاصله زمانی ده روز در منزلی معین در هر محله برگزار می شود، می توان وجه تسمیه آن را به زمان برگزاری آن، یعنی همان عشر (عدد ده) نسبت داد و آن را مجلسی که ده روز ده روز در منزلی برپاست، قلمداد کرد. فرض سوم این است که می توان آن را برگرفته از واژه «عشور» بنا بر تعریف ده یک گرفتن از مال کسی (صفی پور، ۱۲۹۶: ۸۳۵) دانست که منع درآمد بیتالمال است و یک قسم از ده قسم مالی را شامل می شود که بانی مجلس به برگزارکنندگان مجلس عشوری پرداخت می کند. مجریان این مراسم ملاهای قدیمی خانم و زنان اهل محل هستند. زمان اجرای این مراسم از آغاز دهه اول تا آخر محرم و صفر، با فاصله زمانی دهه به دهه است. چگونگی خوانش، شبیه تعزیه است و اشعار به صورت گفت و شنود بیت بیت از روی نسخه های که تعزیه گردان در اختیارشان می گذارد، بین افراد ردوبلد می شود. به این نسخه های جداگانه «فرد» می گویند. البته، در برخی مناطق «مانند بوشهر

(به‌ویژه شهرستان بوشهر) زنان در اجرای تعزیه حضور دارند و همپای مردان شبیه‌خوانی می‌کنند. در بوشهر به جای مردان زن‌پوش – که معمول و مرسوم در تمام ایران است – این بانوان هستند که نقش به عبارت درست‌تر «شبیه» زنان بزرگ عاشورا را ایفا (اجرا، روایت) می‌کنند» (شیرمحمدی، ۱۳۹۳: ۸۸ – ۸۹)؛ اما مجالس عشوری مختص به زنان است و مردی در آن شرکت ندارد. کارکرد در عشوری و تعزیه زنده نگاه داشتن و یادکرد واقعه عاوراست.

تعزیه‌خوانی خارج از حوزه نفوذ دستگاه رسمی مذهبی و بدون برنامه‌ریزی برای ایجاد و بر اساس روایت‌های شفاهی توده مردم به وجود آمده، به همین دلیل به عنوان شیوه تفکری و احساسی فرهنگ عامه مطرح می‌شود و اجرای آن‌ها نقش مهمی در زنده نگه‌داشتن و پایداری وقایع کربلا داشته است (بلوکباشی، ۱۳۸۶: ۴۷).

هر بیت در عشوری بیانگر این است که بازیگر کیست و مخاطب در کجا روایت حادثه ایستاده است و شاهد کدام ماجراست. این ابیات و گاهی مصروع‌ها هستند که روایت را پیش می‌برند. چکللووسکی عنوان می‌کند:

اساس تعزیه مبتنی بر روایت است. روایت نه در معنای حدیث و خبر، بلکه به مثابة تکنیکی محوری که اجرای این شکل از نمایش (تعزیه) بر آن مبتنی و استوار است. تعزیه، مجموعه به هم تائفه‌ای است از: موسیقی ایرانی، شعر کلاسیک ایرانی و شبیه‌خوانی (روایت درهم‌تنیدگی تکلمی - تجسمی) (شیرمحمدی، ۱۳۹۳: ۸۸). البته، در تمایز عشوری و تعزیه باید عنوان کرد که عشوری‌ها فاقد موسیقی کاربردی در تعزیه‌اند.

روایت (تعريف) تکلمی - تجسمی واقعه یا خبر با استفاده از قراردادها، نمادها و نشانه‌ها انجام می‌پذیرد؛ یعنی تعزیه‌خوان‌ها، به جای نمایش دادن شخصیت (واقعه)، آن را از طریق قرارداد، نماد و نشانه برای مردم شبیه (روایت درهم‌تنیده تکلمی - تجسمی) می‌کنند (چکللووسکی، ۱۳۸۹: ۵۴ – ۶۵).

این روایت تکلمی و تجسمی جزو نقاط مشترک عشوری و تعزیه است. تعزیه از عشوری در اجرا توانمندتر است؛ زیرا علاوه بر روایت از نمایش نیز کمک می‌گیرد، در صورتی که عشوری مبتنی بر تکلم است و اشخاص نقش‌ها را فقط در دستگاهی خاص

بیان می‌کنند و به نمایش نمی‌پردازند. اشعار منتخب تعزیه از مجموعه‌این رستخیز عام با اصلاح و بازآفرینی غلامعلی نادعلی‌زاده (نادی دامغان) و به کوشش مسلم نادعلی‌زاده است. این جنگ تعزیه، اثری ارزشمند در زمینه ماندگاری اشعار تعزیه در فرهنگ و ادبیات غنی ایران است. مسلم نادعلی‌زاده در این زمینه معتقد است:

تعزیه‌هایی که در این مجلدات تحت عنوان «این رستخیز عام» منتشر می‌شود، مجالسی است که بیش از یکصد سال است در شهرستان دامغان و روستاهای اطراف آن اجرا می‌شود ... اشعار غنی و پرمحتوای این مجالس که برخلاف نسخه‌های تعزیه‌ای که تاکنون منتشر شده، از استحکام و ارزش ادبی برخوردار است، ترکیب و گرینشی از اشعار زمینه‌های مختلف باشد که تعزیه‌خوانان صاحب‌ذوق آن منطقه به صورتی هژمندانه از آن‌ها بهره گرفته‌اند (نادعلی‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۸).

تعزیه در محلی با صحنه قراردادی اجرا می‌شود و به کمک طرح‌ها و نقش‌های معین تلاش می‌کند محلی را که رویدادهای موردنظر در آن اتفاق افتداده است، به‌طور نمادین بازسازی کند. نمایش تعزیه، شخصیت‌های اصلی و حوادث را در اذهان مخاطب زنده می‌کند. مخاطب با هر صحنه از نمایش با بازیگران از نظر حسی و عاطفی همراه می‌شود، بارها اتفاق می‌افتد که به شخصیت بازیگر یزید از طرف مخاطب عام حمله می‌شود و یا در صحنه طفالان مسلم، مخاطب شروع به گریه و هم‌ذات‌پنداری می‌کند و این موارد را می‌توان از کارکردهای نیروی تحرک و سرزندگی اجتماع و هم‌ذات‌پنداری و انسجام دانست. امیل دورکیم (۵۵۵: ۱۳۸۳)، جامعه‌شناس دینی، در کتاب صور بنیانی حیات دینی در بخش مناسک تقليدی و یادبودوارانه بیان می‌کند:

تضعیف شدن یک گروه بر اثر ازدست دادن یکی از اعضای خویش است؛ ولی خود همین احساس نیز آن اثر را دارد که افراد را به یکدیگر نزدیک می‌کند، روابطشان را با هم صمیمانه‌تر می‌سازد، همه آنان را در یک حال روانی قرار می‌دهد و نتیجه همه این‌ها نیز این است که نوعی احساس رضایت که جبران‌کننده آن احساس ضعف ابتدایی است پیدا می‌شود. صرف اینکه همه با هم می‌گریند، ثابت می‌کند که همه به هم علاقه‌مند هستند و اجتماع به رغم ضربه‌ای که بر آن‌ها وارد شده هنوز انسجام خود را از دست نداده و همچنان به قوت خود باقی

است....؛ ولی هم ذات شدن در اندوه نیز نوعی هم ذات شدگی است و هر گونه هم ذات شدگی وجودان، به هر شکلی که باشد، بر نیروی تحرک و سرزنشگی اجتماع می افراشد.

در عشوری نیز این خاصیت هم ذات پندرای افراد مشخص و صریح است. اشعار تعزیه و عشوری به صورت نسخه تهیه می شود و در اختیار شبیه خوان قرار می گیرد. مصدق اشعار و صحنه و نقشها در پژوهش حاضر تعزیه حضرت رقیه^(س) انتخاب شده است. نقشها شامل: حضرت زینب^(س)، حضرت رقیه^(س)، امام سجاد^(ع)، امام حسین^(ع)، یزید، دختر یزید، کنیزان دختر یزید، اهل بیت، غلام یزید، کنیز یزید. تدارکات شامل خرابه، گلیم کهنه، خشت آجر، سفره نان و خرما، بساط شراب یزید و دختر یزید، مجموعه ها و سینی های شمع و گل برای کنیزان همراه دختر یزید، سنگ و چوب که کنیزان با آن حضرت رقیه^(س) را کتک بزنند، سر مقدس در طشت و روی آن پارچه سبز رنگ، علم طبقی که با کفن برای حضرت رقیه^(س) از سوی یزید فرستاده می شود، برانکارد برای تشییع جنازه حضرت رقیه^(س). در پایان مجلس زینب^(س): «آیید بلبلان که دمی هم فغان شویم/ بر یاد گلستان نبی هم عنان شویم/ بلبل غریب و ناله غریب و فغان غریب/ طفلان غریب و زینب بی خانمان غریب/ دگر شب شد دگر شب ای عزیزان/ دگر شب شد برای ما اسیران/ دگر شب شد که از آه یتیمان/ رود دود از زمین بر طاق کیوان»

رقیه: رقیه بلبل باغ عزایم
گرفتار گرمه اش قیایم
(نادعلیزاده، ۱۳۹۲: ۶۹)

برخی ایيات تکبیت هستند و پرسش جواب مفصلی در شکل تکبیتها بین دو شبیه خوان رو بدل می شود.

اما: من تو را اندر غریبی غم خورم
رقیه: کیستی بر زانویت داری سرم؟
اما: از چه ره افتاده ای بر روی خاک؟
رقیه: کیستی سازی ز رویم اشک پاک؟
چگونگی اجرای عشوری این گونه است: ملای اصلی که نسخه های عشوری در اختیار اوست، بنا بر تعداد شخصیت هایی که یک مجلس عشوری نیازمند است، تعدادی ملا را انتخاب می کند. بنا بر شخصیت ها و اشعار نسخه خوان اصلی، بانی مجلس لوازمی

نمادین را در اختیار عشوری‌خوان‌ها قرار می‌دهد، برای مثال در عشوری حضرت رقیه^(س) شخصیت‌ها و لوازم درست مانند تعزیه است. افراد منتخب از روی نسخه فرد که عشوری‌گردان در اختیار اشخاص قرار می‌دهد، شروع به اجرای شبیه‌خوانی می‌کنند. این مجالس بدون هیچ موسیقی خاصی و تنها با سوز عشوری‌خوان اداره می‌شود. در صورتی که در تعزیه‌های مردانه، موسیقی تعزیه با «سازهایی مانند شیپور، طبل، دهل، کرنا، سرنا، نی‌لبک، نی، قره‌نی، نقاره و سنجدر پیش‌خوانی و یا صحنه‌های فاقد گفت-و-گو و کمتر حین اجرا استفاده می‌شود» (ذوالفاراری، ۱۳۹۴: ۲۲۱). عشوری معمولاً به صورت نشسته و بدون حرکت است شروع مجلس با چایشی‌خوانی ملای اصلی و چند بند نوحه‌خوانی است. زنان بدون لباس خاص و موسیقی خاصی تنها بر مبنای آواز و لحن در دستگاه موسیقی خاصی اشعاری بینشان ردوبدل می‌شود. گاهی شبیه‌خوان اولیا و ائمه لباس سبز می‌پوشند و یا پارچه‌ای نمادین به رنگ سبز بر دوش می‌اندازند، خلاف تعزیه که افراد بر صحنه وارد و از آن خارج می‌شوند در عشوری تنها صدا و لحن شبیه‌خوان و اشعاری که می‌خوانند بدون آرایش ظاهری مبنای تشخیص شخصیت است. مجلس عشوری درست مثل تعزیه با «پیش‌خوانی» شروع می‌شود. این پیش‌خوانی بسته به نسخه و مجلس عشوری متفاوت است؛ مثلاً در مجلس حضرت رقیه^(س) آغاز می‌کنند با پیش‌خوان چنین: حضرت رقیه^(س) «هر چه گیرم سراغ ای خدا/ گویدم رفته بابت سفر به چشمان تر/ چه شد ای پدر نیامد دگر زین سفر/ بی‌کس و یاورم پدر جان/ کو مه روزنم پدر جان/ عمه شد دلم به ویرانه تنگ/ از این نام و ننگ سپهر دورنگ/ شامیان بر سرم می‌زنند از چه سنگ/ بی‌کس و یاورم پدر جان» (فاطمه‌زهرا وحیدی، نسخه‌خوان اصلی عشوری).

مشارکت افراد مجلس در ایات پیش‌خوانی است که با مصراع «بی‌کس و یاورم پدر جان» عشوری‌خوان را یاری می‌کنند. مجلس با رد و بدل ایات نسخه فرد بین عشوری‌خوان‌ها ادامه پیدا می‌کند. در یک مجلس عشوری یک نسخه به‌طور کامل اجرا می‌شود و در ختم مجلس «امن یجیب» می‌خوانند و برای بانی مجلس طلب خیر می‌کنند. نسخه‌های عشوری در شهر دامغان شامل: نسخه علی‌اکبر^(ع) که مختص به منزل آقای ناهیدی است و نسخه حضرت فاطمه‌صغری^(ع) که مختص منزل آقای هاشمی

است و در منزل آقای کرامتی، هفت روز عشوری و روزی مختص به نسخه حضرت ابوالفضل و باقی روزها بقیه نسخه‌ها با توجه به نظر بانی مجلس قرائت می‌شود. این اشعار در زمان مشخص و در مکان مشخص از سوی شبیه‌خوانان زن معین و نسخه‌ای ازیش تعیین شده با یادکرد و مجسم‌سازی واقعی کربلا طی مراسمی قراردادی بین عامله مردم انجام می‌شود و در تمام موارد جز موسیقی و نمایش با تعزیه مطابقت دارد.

۳-۱. درون‌ماهه عشوری

مضمون عشوری‌ها در صور متنوعی از اشعار قابل فهم است. این صور شامل پرسش و جواب، درخواست، شرح واقعه، شکرگویی، فداگویی، خطاب‌گویی معمولاً از مطلع بیت قابل تشخیص و تفصیل است. مصدق پرسش و پاسخ در عشوری حضرت علی‌اکبر^(ع) - «خود تو گفتی که آب می‌خواهم / تو روان کرده‌ای بدین راه / العطش، بس که گفتی ای خواهر / سوختی جان عمه مادر» - سکینه پاسخ می‌دهد: «به فدایت شوم غلط کرم / که به لب لفظ آب آوردم / گر دگر آب گفتم نزد شما / خود بیا و ببر زبان مرا» (همان‌جا). مصدق درخواست در عشوری، علی‌اکبر: «عرض دارم ای گل گردون وقار» امام: «چیست مطلب ای گل مشکین عذار». از مضامین شکرگویی در عشوری حضرت علی‌اکبر^(ع): «شکر خدا که درخت امیدم ثمر گرفت / چشم صدف ز گریه شورم گهر گرفت / منت خدای را که جهانم به کام شد / در راه دوست عمر عزیزم تمام شد» (فاطمه‌زهرا وحیدی، عشوری‌خوان). از آنجا که خطاب‌گویی‌ها و فداگویی‌ها نوعی ندا را می‌رسانند، می‌توان آن‌ها را در یک بخش گنجاند. از مصاديق ندا: «فداي دست به‌ناحق بریدهات عباس / فدای جان تو گردم ایا سرآمد ناس» (نادعلی‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۸۱). خطاب‌گویی‌ها با عنوانی چون خطاب من به تو...، سلام من به تو...، «خطاب من به تو ای ابن سعد بدکردار» (همان، ۲۶۰). البته، سهم بیشتر اشعار مربوط به شرح حال و واقعه است که به‌نوعی در صدد روشن شدن کجایی و چگونگی و شرح روایت و حال اشخاص است. «خودم دیدم پدر را سر بریدند / خودم دیدم که در خونش کشیدند / خرابه گشته اکنون منزل ما / ز جور کوفیان خون شد دل ما» (فاطمه‌زهرا وحیدی).

۴. تحلیل ساختاری

در این بخش تمام اشعار مطرح شده، بررسی ساختاری شده است.

۴ - ۱. ساختار چاییشی

چاییشی‌ها دارای تنوع در قالب‌اند و از قالب خاصی پیروی نمی‌کنند؛ اما وجه مسلط بر سرودن این اشعار رباعی و دوبیتی است. رباعی‌ها بیشتر در قالب رباع (چهارگان، هر چیزی که چهار جز داشته باشد) سروده می‌شود. البته، سهم بیشتری از چاییشی‌ها رباعی خصی (رباعی که مصراع سوم آن قافیه ندارد) است: «فرمود حسین که خیمه‌ها بار کنید / هفتادو دو تن همه از خواب بیدار کنید / هفتادو دو تن همه از اهل حرم / رحمی به تن عابد بیمار کنید»؛ کلمات قافیه: «بار، بیدار، بیمار» و فعل «کنید» به منزله ردیف مطرح شده است. این چاوشی در وزن «مفهول فاعلات مفاعیل فاعلن» و بحر عروضی مضارع مثمن اخرب مکفوف محدود سروده شده است. چاوشی در قالب رباعی چهارگان که هر چهار جز دارای قافیه باشد چون: «ای آفتاب مطلع خوبان خوش آمدید / یوسف صفت به ره بیبان خوش آمدید / این مجلس عزای حسین است خوش آمدید / در ماتمش به دیده گریان خوش آمدید». در این رباعی سه مصراع دارای قافیه خوبان، بیبان، گریان است و هر چهار مصراع دارای ردیف خوش آمدید است. در وزن «مفهول فاعلات مفاعیل فاعلن» و در بحر عروضی مضارع مثمن اخرب سروده شده است. علاوه بر رباعی چاوشی‌ها در قالب مثنوی (منسوب به مثنی، دوتادوتا) که هر بیت دو قافیه مستقل دارد هم سروده شده است: «خوش آن دلی که به سر شوق کربلا دارد / هوای تربت سلطان نینوا دارد / خوش آنکه از وطن خویش خیال سفر بکند / به‌سوی روضه فرزند مصطفی سفر بکند». «کربلا دارد» و «نینوا دارد» با هم به صورت هم‌قافیه آمده‌اند و در بیت بعد ما دارای ردیف هستیم و قافیه‌ای وجود ندارد. «سفر بکند، سفر بکند». این شعر در وزن مفاععلن فاعلاتن مفاععلن فعلن و در بحر مجتث مثمن سروده شده است. چاوشی‌های تکبیت هم در میان این اشعار دیده می‌شود؛ از جمله: «موسی که زد عصا را / بر فرق سنگ خارا / می‌خواند این دعا را / صل علی محمد / صلووات بر محمد» بر وزن مفعول فاعلاتن آمده است. در اشعار چاوشی قرائت شده از

سوی عامه مردم، اشعاری دیده می‌شود که از چهار بیت، بیت اول دارای قافیه و ردیف و بیت بعدی فاقد قافیه و ردیف است. «از مدینه زینب دل خون، نالان می‌رود/ جانب ملک عراق با نوجوانان می‌رود/ ای مسلمانان زنی چون زینب خونین حگر/ با برادر با برادرزاده‌ها یکجا می‌رود» (فاطمه‌زهرا وحیدی). ترتیب انتخاب قافیه بیشتر بر مبنای وجه شنیداری است. چنانکه دو کلمه اولیا/ کیمیا قافیه شده‌اند: «به هر که رو به سوی شاه اولیا دارد/ که خاک در گه او طبع کیمیا دارد». در برخی ابیات سجع و موسیقی درونی حاصل از آن دیده می‌شود: «محمد عربی را پیمبری صلووات/ بر آن عمامه پرنور حیدری صلووات». کلمات عربی و پیمبری دارای سجع مطوفاند.

۴ - ۲. ساختار اشعار «ای دوستانخوانی»

قالب مسلط این اشعار مسمط است. این اشعار در «مجموعه چند مصراع هم‌قافیه (بند مسمط یا تسمیط) و یک مصراع مستقل‌القافیه (رشته مسمط یا مصراع تسمیط) است که چند بار با قافیه‌های متفاوت تکرار می‌شود و در این تکرار، آن مصراع‌های مستقل - القافیه، با هم هم‌قافیه هستند» (شمیسا، ۱۳۹۴: ۲۹۸). بند مسمط در این اشعار «ماه محرم آمده، ماه محرم آمده» و رشتۀ مسمط در برخی جاها یکی و مصراع بعدی بدون قافیه آمده است. «زین پس به سوز و العطش/ در خیمه طفلان کرده غشن/ برخیز و بر پا کن نوا». در این ابیات العطش/ غشن قافیه شده‌اند و نوا بدون قافیه رعایت شده است و در این اشعار جایگیری قافیه و نیز تعداد ابیات بند مسمط از قانون خاصی پیروی نمی‌کند. «در این سفر افتاد به خون/ عرش خدا را قائمه/ ای کوفیان بی‌وفا/ عرش خدا گشته سبا/ زین ماجراجی کربلا/ زینب هراسان آمده». بند مسمط گاهی تکیتی، گاهی دوبیتی و گاهی سه‌بیتی است. این اشعار فاقد سجع و جناس و موسیقی درونی حاصل از این کلمات و بیشتر واژگان انتخابی در این اشعار دارای صبغه حماسی و آینی دارند. قائمه، سبا، کربلا، کوفیان، عرش، شیر عرب. واژگان عامیانه کاربردی در این اشعار شامل کرده، آمده، گشته، وزن و بحر این اشعار «مستفعلن مستفعلن» رجز مسدس است و تنوع وزن و بحر در ابیات دیده نمی‌شود. برابری لفظ و معنا در هر بیت مشاهده می‌شود و ابیات فاقد تعقید معنایی و لفظی هستند، صور خیال در ابیات بیشتر شبیه

است و از ادات در تشبیه استفاده شده است. «در این سفر هر بلبی همچون گلی پرپر شود».

۴ - ۳. ساختار اشعار عشوری و تعزیه

از آنجا که عشوری‌ها همان تعزیه‌هایی است که در مجلسی زنانه و از سوی زنان برگزار می‌شود و تفاوت آن‌ها در نحوه و چگونگی اجراست، بنابراین از حیث ساختار مشابه یکدیگرند.

نکته نزدیکی که هر محقق بحور تعزیه با آن مواجه است این است که تقریباً تمامی اوزان، بلاستشنا از بحور پذیرفته شده عروضی است. به سخن دیگر، نوای گفتار در قالب ادبی است و هیچ ارتباطی با دستگاه بحری شعر عامیانه ندارد. مشخصه دوم این است که تعزیه، برخلاف عادت بهنچار اشعار ادبی کوتاه یا بلند که در آن‌ها، از آغاز تا پایان، بحر یکسان می‌ماند، بحر خود را به کرات عوض می‌کند و در تمام طول خود بحور مختلف را به خدمت می‌گیرد (چلکووسکی، ۱۳۶۷: ۲۳۱).

اشعار در تعزیه و عشوری تصنیف‌هایی قطعه‌قطعه‌اند که قوافی متفاوتی را ارائه می‌دهند. «البته تنها دو قالب قافیه‌ای هستند، «مثنوی» (مصراع‌های هم‌قافیه) و تک‌قافیه که در شعر کهن فارسی کاربرد گسترده‌ای دارد که تک‌قافیه از روی موزون بودن دو مصراع بیت نخست هر قطعه مشخص می‌شود» (همان، ۲۳۶). اشعار در هر مجلس عشوری با تنوع یک مصراع، یک بیت مقفى، دو بیت که قافیه سه‌تایی دارد یا چند بیت با قافیه یا بدون قافیه مجزاست که روایت یا سخن شبیه‌خوان در آن به معنی می‌رسد.

«این طفلان که او فتاده بر خاک والله امانست حسین است

پیچیده گلیم کهنه بر خویش این دور ز غیرت حسین است»
(نادعلیزاده، ۱۳۹۲: ۷۲).

کلمات قافیه امانت/ غیرت با ردیف حسین است. برخی ابیات بدون قافیه و تنها با ردیف وزن گرفته‌اند. این ابیات بیشتر به‌شکل پرسش و جوابند که وزن خود را از لحن شبیه‌خوان دریافت می‌کنند.

«رقیه: جان بابا ز من زار خبرداری تو؟
بسته دستم به رسن هیچ خبرداری تو؟
این گلیمی که بود مندرس و کهنه پدر
گشته روپوش من زار، خبرداری تو؟

شمر سیلی به رخم می‌زد و می‌گفت به من
به اسیری برمت هیچ خبرداری تو؟
لقمه نانی است که زن‌ها به تصدق دادند
من نخوردم به خدا، هیچ خبرداری تو؟
(همان، ۷۴)

در این ایات قافیه‌ای وجود ندارد و شعر با ردیف «خبرداری تو؟» وزن گرفته است.
ابیاتی نیز که وجود دارد فاقد قافیه و ردیف است: «این قد و بالای تو حیف رود زیر
خاک / دیده زینب شود کاش در این لحظه کور» (فاطمه‌زهرا وحیدی، عشوری حضرت
علی‌اکبر^(ع)). مصدق اشعار به صورت مشنی یا دو قافیه «کفن دختر عمومیم دل‌شکسته / سر
راه علی‌اکبر نشسته»، اشعار تک‌قافیه «دعا بر باب زار من نمایید / نگردد سایه‌اش کم از
سر من». اشعار با وزن دوری و قافیه درونی «مادر حزین من ای به غم قرین من / از
برای باب خود جان کنم فدا مادر». در اشعار تعزیه مستزاد هم دیده می‌شود و بیتی
زيادشده و زائدآمده در طرف چپ شعر یا رباعی، طرحی رباعی دارد.

«یارب بین فرنگی، بر ما کند تماشا بر ما کند تماشا
بر اهل بیت طاهما، مپسند این جفا را
مپسند این جفا را
نه آخر و نه آخر، ما زاده رسولیم
ما زاده رسولیم
نه آخر و نه آخر، ذریه بتولیم
(همان، ۴۳) ذریه بتولیم»

قالب اشعار در عشوری تنوع فراوانی دارد و قافیه‌ها و بحرها در یک عشوری جز
در پرسش و پاسخ یکی نیستند. مصدق تعزیه حضرت رقیه^(س) عنوان شده در پژوهش
حاضر اشعار طی پرسش و جواب، فاطمه صغیری^(س) و جده در یک بحر عروضی و
قالب مشنی و دوتایی‌اند. «جده جان چند نفر از فقرا از بیتیمان بلا برگ نوا / از کرمت
بطلب برمنشان بطلب بر من خسته‌دلان که ز دلجویی‌شان اهل حرم رحمی کنند بر
پدرم» کلمات قافیه فقرا / برگ نوا، برمنشان / خسته‌دلان، حرم / پدرم و جده. در جواب
می‌گوید با همان قالب: «ای فقیران چو نغرس فقرا با اثر باشد هنگام دعا / التماس این
است از راه کرم رحم سازید به چشمان قرم / پدرم را ز دعا یاد کنید / خاطرم را ز غم

آزاد کنید». کلمات قافیه فقرای دعا، کرم/ترم. یاد کنید/ آزاد کنید که کلمات قافیه از نظر تشابه حرف روی با هم مشابهت ندارند و بیشتر حرف آخر در قافیه‌سازی شاعر عامی مدنظر بوده است و از قانون خاصی پیروی نمی‌کند و بیشتر تکیه بر شنیدار کلمه دارد تا جایگیری حروف در ساخت قافیه بیرونی، اشعار در عشوری و تعزیه چون با آهنگ و وزن درونی شبیه‌خوان خوانده می‌شود این کسر در ساخت تخصصی قافیه را جبران می‌کند و می‌توان نتیجه گرفت که موسیقی و آهنگ شخص شبیه‌خوان بر موسیقی حاصل از وزن و قافیه غلبه دارد و تا حدی خطای ساختاری آن را پوشش می‌دهد. در اشعار عشوری تکبیت‌خوانی‌های هم‌خوانی هم دیده می‌شود. چنانکه در تعزیه وفات حضرت رقیه^(س)، شبیه‌خوان با هم‌خوان‌ها تکبیت را دو مصراع کرده و با هم‌خوان‌ها می‌خواند. زینب: «غريب است و کسی بر سر ندارد» هم‌خوان: «امان از درد غربت» زینب: «بگو عمه به سر معجر ندارد» هم‌خوان: «امان از درد غربت» (راوی: فاطمه‌زهرا وحیدی)

استعمال واژگان و اصطلاحات عامیانه و محلی نیز در عشوری سابقه دارد. علاوه بر آن شکایت از جور فلک و نسبت ستم به آسمان و فلک که ریشه در دیدگاه پیشینیان دارد، در عشوری دیده می‌شود: واژگان عامیانه‌ای چون باب به جای پدر: «ز غربت باب دلم سرآمد»؛ افعال عامیانه‌ای چون بیار: «مادر اکبر بیا شانه بیار و گلاب»؛ بپر، بزن، غلط کردم «به‌فدايت شوم غلط کردم» و اصطلاحات عامیانه «خاک بر سر کردن»، «دیدی چه خاک بر سر من کرد روزگار» در این اشعار شایع است. آبش بده، تابش بده در: «الله بر قبرم بکار از خون دل آبش بده، جعد سنبل را بیاد کاکلم تابش بده». اصطلاحات عامیانه دامغانی که هنوز هم بین مردم کاربرد دارد: حیفت نیامد «ای آسمان ز جور تو خاموش گشته‌ام»/ حیفت نیامد که کفن‌پوش گشته‌ام»، سایه شما از سر ما کم نگردد: «دعا بر باب زار من نمایید/ نگردد سایه‌اش کم از سر من». اسناد مجازی استناد فعل به فاعل غیرحقیقی است و در ابیات عشوری بسیار دیده می‌شود که شاعر به شیء بی‌جان (کفن) شخصیت‌بخشی می‌کند و با او سخن می‌گوید: «کفن من خیری از دنیا ندیدم/ کفن من عشرت و شادی ندیدم».

۵. نتیجه

اشعار آیینی عاشورایی که به طور شفاهی در حوزه جغرافیایی دامغان در پژوهش حاضر مطرح شده‌اند، با عنوانین «چاییشی»، «عشوری» و آیین «ای دوستان خوانی» از دو منظر تحلیلی و ساختاری بررسی شده است. در بخش تحلیلی به معرفی، کاربرد، وجه تسمیه، مجریان، چگونگی اجرا، زمان اجرا – که به تبیین درون‌مایه و محتوا ای اشعار می‌پردازد – پرداخته شده است. بر مبنای محتوا و درون‌مایه چاییشی‌ها در چهار بخش چاییشی‌های ولایی، عاورایی، مسافرتی با مطلع خوش‌آمدید و سلام‌گویی دسته‌بندی شده که به نوعی بیانگر کارکرد مشارکت اجتماعی و حفظ و ثبات عامه در اجرای چاییشی‌ها در مراسم مرتبط است. کارکرد آیین «ای دوستان خوانی» اطلاع‌رسانی و بیدارباش مردم و مشارکت در حفظ و برقراری متدالوی این مراسم است. در عشوری‌ها با کارکردهای مشابه در برگزاری اجتماعات خاص، زنان جامعه را به منظور شبیه‌سازی واقعه و بیداری حس هم‌ذات‌پنداری و زنده نگهداشت راه امام حسین^(۴) و دلستگی بر حفظ فرهنگ و ثبات آیین‌ها در عصر حاضر می‌توان مشاهده کرد. لزوم توجه به عشوری از آنجاست که با درنظر داشتن پوشیدگی خاص این مجالس شناخت آن‌ها دشوارتر بوده است و باید به این مقوله به گونه‌ای پرداخت تا آداب و رسوم به فراموشی سپرده نشود. بنابراین، توجه به مراسم نمادین که اشعار عامیانه آیینی در آن‌ها عنوان می‌شود، جز از رویکرد توجه به فرهنگ و ادب از منظر مردم‌شناسی نیز مهم است. چگونگی حضور اشعار در آیین‌ها در بخش ساختاری در قالب‌های شعری مختلف و متنوع در ادبیات است. این قالب‌ها بیشتر رباعی، دویستی، مسمط با قافية بیرونی و سجع و موسیقی درونی است. واژگان عامیانه نیز در این اشعار دیده می‌شود.

منابع

الف) منابع مکتوب

- بلوکباشی، علی (۱۳۸۶). «نقش و کارکرد اجتماعی، فرهنگی و هنری تعزیه‌خوانی در جامعه سنتی ایران». گردهمایی مکتب اصفهان: مجموعه مقالات نمایش. به کوشش عسکر ابراهیمی.
- چ ۱. تهران: فرهنگستان هنر.

- بیضایی، بهرام (۱۳۴۴). نمایش در ایران. تهران: روشنگران.
- چلکووسکی، پیتر و جی (۱۳۸۹). «جنبه‌های نشانه‌شناختی تعزیه». نوشتۀ آندرزیج ویرث. تعزیه: آیین و نمایش در ایران.
- (۱۳۶۷). تعزیه نمایش و نمایش در ایران. ترجمه داود حاتمی. تهران: علمی و فرهنگی.
- دورکیم، امیل (۱۳۸۳). صور بنیانی حیات دینی. ترجمه باقر پرهاشم. تهران: نشر مرکز.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۴). زبان و ادبیات عامه ایران. تهران: سمت.
- شمیسا، سیروس (۱۳۹۴). انواع ادبی. تهران: میترا.
- شیرمحمدی، اصغر (۱۳۹۳). «پژوهشی درباره منشأ آیین تعزیه». انسان‌شناسی. س. ۱۲. ش. ۲۰. صص ۸۷-۱۱۲.
- صفائی پور، عبدالرحیم بن عبدالکریم (۱۲۹۶). متن‌های الارب فی لغة العرب. نسخه ۲۲۶۶ کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- نادعلی‌زاده، غلامعلی (۱۳۹۲). این رستخیز عام، عاشورا. قم: خیمه مجلس اول. ج ۹ و ۱۰.
- عناصری، جابر (۱۳۶۱). «در دانه‌های خلوت اهورایی». چیستا. س. ۲. ش. ۴. ص ۴۲۵.

ب) راویان

- افراسیابی، حاج خلیل. متولد ۱۳۰۶: مدام روزتای دولت‌آباد.
- حاجی پروانه، معصومه. ۵۷ ساله: مدام اهل بیت.
- حقیقی، رمضان. ۵۶ ساله: بیت‌خوان و مدام روزتای جزن.
- وحیدی، فاطمه‌زهرا. ۷۰ ساله: نسخه‌خوان مراسم عشوری. مدام.
- مطهری، فاطمه. ۵۸ ساله: مدام اهل بیت روزتای سید‌آباد.

"Tea", "Ashouri" and "Friends of Worship" in the City of Damghan

Shahram Basiti¹ * Elham Momeni²

1. Assistant Professor of Social Sciences, Payam Nour University of Tehran.
2. MA in Persian Language and Literature, Semnan University.

Received: 07/10/2019

Accepted: 14/12/2019

Abstract

The poems and rituals of the oral Ashura in various geographical areas illustrate the dominant manner of literary creation and the general streams of thought and religion. An examination of these poems illustrates the historical course of the Ashura oral literature among the people of one area. Accordingly, in the present study, we attempt to introduce the ritual poems of "Tea", "Ashouri", and "Friends of Worship" in the folk ritual literature of Damghan using an anthropological approach. The issue of Ashura rituals puts them in the broader areas of oral religious literature that have a direct relationship with popular religious rituals. The analysis was carried out on structural and content sections, introducing and focusing on the symbolic functions in the content section. In the structural part, the dominant theme of these poems is the emphasis on rhythm, rhyme, row, and inner music. The method of the study is qualitative and the means of data collection is in-depth interviews with experts on related poems.

Keywords: Tea; Ashouri; Friends of Worship; Damghan.

*Corresponding Author's E-mail: Shahram.basity@gmail.com

